



# دانشگاه پیام نور

دانشکده گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد  
در رشته زبان و ادبیات فارسی

**موضوع: فرهنگ اشارات و تلمیحات ناصر خسرو  
(از قصیده ۲۰۰ تا آخر)**

استاد راهنما: دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور: دکتر علی محمد پشت دار

نگارش: طیبه پیوندی

تقدیم به:

روح پدر بزرگوارم که موفقیت‌های خود را مرهون زحمات و تلاش‌های

بی وقفه‌اش در طول حیات می‌دانم و مادر عزیز و ارجمندم که همواره در

طی زندگی و تحصیل از حمایت و پشتیبانی بی دریغش برخوردار بوده‌ام.

تقدیر و تشکر:

پیشبرد و اجرای این پایان نامه را مرهون الطاف و زحمات عزیزانی می دانم که تشکر

و قدردانی از آنان، شایسته و ضروری است. قبل از هرچیز از زحمات و راهنمایی-

های گرانقدر استادگرامی سرکار خانم دکتر کوپا که با هدایت و راهنمایی خویش

نقش ارزنده ای را در شکل گیری این پایان نامه ایفا نموده اند تشکر و قدردانی می نمایم.

همچنین لازم می دانم از زحمات، راهنمایی و مشاوره ارزشمند استاد ارجمند جناب

آقای دکتر علی محمد پشتدار تقدیر و تشکر نمایم. سلامت و سعادت هر دو استاد

گرانقدر را از خداوند متعال خواستارم.

## چکیده

ناصر خسرو قبادیانی به عنوان گوینده‌ای حکیم، دیدگاهی متفاوت از بسیاری از همتایان خود ارائه می‌دهد. از عوامل مؤثر در این امر گرایش‌های شدید مذهبی وی به فرقه اسمعیلیه، مطالعات عمیق او در علوم دینی، تعمق و توجه او به فرهنگ عامه و دانش و تحصیلات وسیع ناصر خسرو و تتبع در زمینه بسیاری از علوم متداول زمان اعم از معقول و منقول و علی‌الخصوص علوم اوایل و حکمت یونان و علم کلام و حکمت متالهین است.

این پژوهش به بررسی اشارات و تلمیحات قصاید ناصر خسرو (قصیده ۲۰۰ تا آخر) با روش تحلیل محتوا پرداخته است. نتیجه نهایی این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. ناصر خسرو تلمیحات و اشارات را به خدمت می‌گیرد تا مفاهیم والای انسانی و عرفانی را که در ذهن دارد به خواننده اشعارش انتقال دهد.
  ۲. روش ناصر خسرو در کاربرد اشارات و تلمیحات، روشن ساختن تاریکی‌های رفتاری انسان است که به عنوان نقاط کور در سرنوشت او مؤثر است.
  ۳. اشارات و تلمیحات به اعلام (اعم از مذهبی، تاریخی و داستانی) از بیشترین و بالاترین بسامد کاربرد در قصاید ناصر خسرو برخوردار است.
- بسامد کاربردی تلمیحات و اشارات در قصاید ناصر خسرو به ترتیب عبارت از موارد ذیل است:

- ۱- اعلام: ۱۹/۳۶ درصد
- ۲- عناصر طبیعی: ۱۷/۵۰ درصد
- ۳- عناوین مذهبی: ۱۰/۶۱ درصد
- ۴- آیات و احادیث: ۱۰/۳۴ درصد
- ۵- ازمنه و اماکن: ۹/۲۸ درصد
- ۶- فضایل و رذایل اخلاقی: ۵/۵۷ درصد
- ۷- آلات، مسکوکات، فلزات و احجار کریمه: ۵/۳۰ درصد
- ۸- باورهای عامه: ۴/۷۷ درصد
- ۹- مأكولات و مشروبات: ۴/۲۴ درصد
- ۱۰- مقدسات: ۳/۴۴ درصد
- ۱۱- البسه، اقمشه و مضمومات: ۳/۱۸ درصد
- ۱۲- موجودات ماورائی: ۲/۶۵ درصد
- ۱۳- اشارات ادبی و ضرب المثلها: ۲/۱۲ درصد
- ۱۴- مشاغل: ۱/۵۹ درصد

#### کلید واژه‌ها:

فرهنگ، اشارات، تلمیحات، قصاید ناصر خسرو

## فهرست مطالب

عنوان ----- صفحه

### فصل اول: کلیات تحقیق

۲	..... مقدمه
۵	..... الف: بیان مسئله و پرسش‌های تحقیقاتی
۵	..... ب: فرضیات
۵	..... ج: اهداف تحقیق
۶	..... د: سابقه و ضرورت تحقیق

### فصل دوم: ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

۹	..... اشاره و تلمیح
۱۴	..... شرح حال ناصر خسرو
۱۷	..... روش انجام کار

### فصل سوم: متن پایان نامه

۲۰	..... ۳-۱- آیات و احادیث
۳۹	..... ۳-۲- اعلام
۹۱	..... ۳-۳- عناوین مذهبی
۱۰۵	..... ۳-۴- موجودات ماورائی
۱۱۰	..... ۳-۵- مقدسات

۱۱۴	..... فضایل و رذایل اخلاقی
۱۱۹	..... باورهای عامه
۱۲۶	..... اشارات ادبی و ضرب المثلها
۱۲۹	..... عناصر طبیعی
۱۴۵	..... ازمنه و اماکن
۱۵۴	..... آلات، مسکوکات، فلزات و احجار کریمه
۱۶۱	..... مشاغل
۱۶۴	..... مأكولات و مشروبات
۱۶۸	..... البسه، اقمشه و مشمومات
۱۷۳	..... جدول
۱۷۴	..... نمودارها
۱۷۶	..... فصل چهارم: نتیجه گیری
۱۸۱	..... پیوستها

## فصل اول: کلیات تحقیق



## مقدمه

من آنم که در پای خوکان نریزم  
مر این قیمتی لفظ دُرّ دری را (دیوان/ق/۶۴-ب/۳۲)

«در بین شاعران قصیده پرداز ما ناصرخسرو سرگذشتی شگفت انگیز و بی مانند داشته است. در ورای چهره درشت و هیكل بلند روستایی نمای او که مکرر در آیینۀ دیوان و سفرنامه اش تجلی دارد، جلوه روح بلند نستوه او که عظمت و سختی یمگان را به خاطر می آورد انسان را خاضع می کند. و شعر او نیز که از جهت عظمت و صلابت جلوه گاه این روح عظیم بلند است، مثل چهره و اندام و سرگذشت او، یکتا و کم مانند و تا حدی در ادب فارسی بیگانه وار می نماید.»

شعر او مدح و هجو و هزل و غزل نیست، حکمت و تحقیق است. با شعر دیگران تفاوت دارد. او هم مدح امیران و محتشمان را خطا می شمارد و هم تغزل جهت معشوقان و دلبران را لغو می داند. در شعرش نه زن و عشق را می ستاید نه شراب و عیش نهان را وصف می کند. نه امیر فرومایه ستمگر را به «زهد عمار و بوذر» می ستاید نه جهان زندگی را به زیبایی و شیرینی وصف می کند. اگر خلیفه فاطمی را مدح می گوید؛ آن مدیحه از دل و جانش برمی آید نه از کام و زبانش، و اگر طبیعت را می ستاید آن وصف چنان نیست که زندگی ظاهر را مرغوب و دلپسند فرانماید. این چنین شعر را چه می توان خواند؟

البته شعر ناصر، تصوف رسمی نیست، اخلاق مجرد هم نیست. دعوت و تعلیم است و در واقع نوع و فنی است که به او اختصاص دارد و هیچ شاعر دیگری در این معنی با او شریک نیست. وی شعر را به مثابه وسیله ای جهت ترویج مذهب خویش تلقی می کند و می کوشد با آن مخالفان را محکوم کند و گمراهان را به راه خویش آورد از این روست که شعر او به صورت مجموعه ای از حجت های عقلی و دینی درآمده است و از شور و هیجان قلبی که لازمه شعر واقعی است بهره زیادی ندارد.»

(زرین کوب، ۱۳۸۲، ص ۸۶ و ۹۸-۹۹، با تصرف و تلخیص)

یکی از ابعاد شخصیتی ناصرخسرو که او را نسبت به دیگر شاعران و هنرمندان پهنه ادب فارسی برجسته کرده، همانا علو طبع و آزادگی و استغناي روحی است، که بر اثر التزام علمی و عملی نسبت به اسلام و اصول مذهبی در وی پدید آمده است. وی همچون شاعران متعهد و مسئول صدر اسلام و



از آنجا که ناصر خسرو قرآن را از حفظ داشت و منابع اسلامی و تاریخ اسلام را خوب می‌شناخت و به فرقه ای خاص از شیعه (اسمعیلیه) گرویده بود و به عنوان «حجت» مبلغ این فرقه و افکار آنها بود و نیز چون به علوم و فنون گوناگون زمان خود کاملاً تسلط داشت قصایدش سرشار از اشاره و تلمیح به قصص قرآن، احادیث، اصطلاحات مذهبی و فلسفی است. استخراج تلمیحات و اشارات به صورت فرهنگ و نیز روش های کاربرد اشارات و تلمیحات در اشعار شعرای فارسی زبان و ارتباط آن با آموزه - های دینی سابقه چندان طولانی ندارد. و توجه به این صنعت بدون نام بردن از ناصر خسرو کاری ناپسند است. لذا به دلیل اهمیت اشارات و تلمیحات در اعتلای زبان و ادب فارسی و به منظور شناخت ارتباط میان شیوه سخن سرایی ناصر خسرو و فهم قصاید او انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد به این منظور دیوان حکیم ناصر خسرو قبادیانی به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، اساس کار قرار گرفت. قصاید ۲۰۰ تا آخر دیوان مورد مطالعه قرار گرفت و انواع اشارات و تلمیحات موجود در ابیات استخراج و فیش برداری گردید و سپس در ۱۴ موضوع کلی و چندین موضوع فرعی دسته بندی شد و بنابر اهمیت موضوع در اولویت فهرست بندی قرار گرفت و موضوعات فرعی به صورت الفبایی در متن آورده شد و در هر قسمت توضیح متناسب با آن اشاره یا تلمیح در حد نیاز همراه با ذکر منبع مورد استفاده آورده شد.

این کار، تنها خوشه چینی از خرمن معلومات استادان بزرگوارم و راهنمایی های ارزنده ایشان بوده است. امید آن است که این پژوهش در خدمت علاقه مندان به زبان و ادب فارسی قرار گیرد.

## الف- بیان مساله و پرسشهای تحقیقاتی:

ناصر خسرو، با توجه به تحوّل روحی، نوع بینش و اندیشه، گرایشهای شدید مذهبی، حشر و نشر بسیار با مردم کوچه و بازار و دوری از دربار و پادشاهان، تسلط بر علوم و دانش های گوناگون زمانه، کارنامه متفاوتی را در عرصه قصیده سرایی از خود به جا گذاشته است به گونه ای که برای اولین بار نوع خاصی از قصیده را پایه گذاری کرد که کاملاً مخالف جریان قصیده سرایی در قرن پنجم می باشد. که شاعران درباری هم عصر او به آن اهتمام می ورزیدند. با این شناخت پیش زمینه ای از قصاید ناصر خسرو، این پژوهش در پی آن است که به پرسشهای محوری و بنیادی زیر پاسخ گوید:

۱. آیا ناصر خسرو در قصایدش فرهنگ عامه و شرایط حاکم بر اجتماع خود را مدّ نظر قرار داده است؟
۲. آیا ناصر خسرو، اشارات و تلمیحات را به منظور تفهیم باورها و اندیشه های ذهنی خود به کار گرفته است؟
۳. توجه ناصر خسرو به اشارات و تلمیحات مذهبی اعم از آیات و احادیث و اعلام مذهبی به چه میزانی بوده است؟

## ب- فرضیات

۱. ناصر خسرو در قصایدش فرهنگ عامه و شرایط حاکم بر اجتماع خود را مدّ نظر قرار داده است.
۲. ناصر خسرو، اشارات و تلمیحات را به منظور تفهیم باورها و اندیشه های ذهنی خود به کار گرفته است
۳. با توجه به اینکه ناصر خسرو شاعری مذهبی است و اشعارش تعلیمی می باشد اشارات و تلمیحات مذهبی اعم از آیات و احادیث و اعلام مذهبی را به میزان قابل توجهی در اشعارش مورد استفاده قرار داده است.

## ج- اهداف تحقیق:

۱. تقویت دانشجویان زبان و ادب فارسی در جهت آشنائی با عناصر و تلمیحات قصاید ناصر خسرو
۲. تسهیل و درک دروس نظم و نثر در رشته زبان و ادبیات فارسی
۳. شناخت ارتباط میان شیوه سخن پردازی ناصر خسرو و فهم قصاید با استفاده از اشارات و تلمیحات

#### د- سابقه و ضرورت تحقیق:

تعدادی از آثاری که تاکنون در زمینه اشارات و تلمیحات تألیف شده و به چاپ رسیده به شرح زیر است:

#### کتاب:

- ۱- آینه بلند نور (فرهنگ تلمیحات و اشارات خمسه نظامی)، محمد رشید، ۱۳۸۲
- ۲- درّ قیمتی (شرح بیست هزار قصیده از ناصر خسرو و همراه با تلمیحات و اشارات و مقایسه آثار منظوم با آثار منثور ناصر خسرو)، اکرم رحمانی، سال ۱۳۸۱
- ۳- شمس در آینه اشارات و تلمیحات، آسیه رحیمی، ۱۳۸۳
- ۴- فرهنگ تلمیحات شعر معاصر (اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی، مذهبی، و جغرافیایی در شعر معاصر)، محمد حسین محمدی، ۱۳۷۴
- ۵- تلمیحات در غزلیات حافظ، فرح شرفی، ۱۳۸۴

#### پایان نامه:

- ۱- تلمیحات در آثار نویسندگان برجسته داستانهای نوجوان (از سال ۶۰ تا ۷۰)، آزاده افضلی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵
- ۲- فرهنگ تلمیحات در غزلیات سنایی، بنفشه مشهدی ایوز، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵
- ۳- شرح لغات، ترکیبات و تلمیحات دیوان عبدالواسع جبلی، عنایت الله احمدنیا کوهستانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۴
- ۴- تحلیل تلمیحات در دیوان قآنی شیرازی، ایوب پروری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۷۹
- ۵- فرهنگ لغات، اصطلاحات، اشارات و تلمیحات در دیوان جمال الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی، جواد جعفر طرقی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۴

#### مقاله:

- ۱- اشارات قرآنی در دیوان شهریار، یوسف عالی عباس آباد، ۱۳۸۳
- ۲- حافظ قرآن و چهارده روایت، درآمدی بر اشارات آسمانی در اشعار لسان الغیب، شمس الدین محمد حافظ، ۱۳۸۵

۳- اشارات و مفاهیم پزشکی و بهداشتی در آثار سعدی، محمد حسین عزیزی، ۱۳۸۵

۴- اشارات قرآنی در سروده های امام راحل، ایوب هاشمی، ۱۳۸۱

تاکنون اشارات و تلمیحات قصاید ناصر خسرو به صورت تحقیق جامع (دانشگاهی) صورت نگرفته است از آنجا که جمع آوری اشارات و تلمیحات در اعتلای زبان و ادب فارسی تأثیر مهمی دارد. انجام این پژوهش برای استفاده دانشجویان ادبیات فارسی ضروری و مؤثر به نظر می رسد.

**فصل دوم: ارائه و تجزیه و تحلیل  
داده های پژوهش**

## اشاره و تلمیح:

در ابتدا مطالبی درباره تلمیح، تضمین، اقتباس، اشاره، حل و تمثیل بیان می کنیم:

**تلمیح**<sup>۱</sup>: از ریشه «لمح» که در لغت به معنی سبک نگرستن و به گوشه چشم اشاره کردن است و در فن بدیع عبارت است از اینکه نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیات و احادیث و داستان های مشهور و یا مثل سائر اشاره کند و یا از اصطلاحات عموم استفاده کند، بی آنکه صریحاً مورد استفاده خود را متذکر شود. بنابراین برای فهم درست معانی ابیات لازم است آیه، حدیث و اصل داستان یا مثل سائر را دانست و بهترین تلمیحات آن است که ذهن شاعر و نویسنده از آیه یا حدیث تنها تأثیر بگیرد نه اینکه آن را عیناً به فارسی بیان کند و آن را تلمیح بداند.

گرش بینی و دست از ترنج شناسی  
روا بود که ملامت کنی زلیخا را  
( کلیات سعدی، ص ۴۱۳ )

**تضمین**<sup>۲</sup>: در علم بدیع عبارت از این است که سخنور آیه و یا حدیث و یا مصراع و بیتی و یا عبارتی از شعر یا نوشته دیگری در بین نوشته خود بیاورد و در صورتی که مشهور نباشد، نام گوینده آنها را نیز ذکر کند.

مثال از سعدی که یک بیت از فردوسی را تضمین نموده است:

چنین گفت فردوسی پاک زاد  
که رحمت بر آن تربت باک باد  
میزار موری که دانه کش است  
که جان دارد و جان شیرین خوش است ( کلیات سعدی )

**اقتباس**<sup>۳</sup>: در اصل لغت به معنی «پرتونور و فروغ گرفتن» است، چنان که پاره ای از آتش را بگیرند و با آن آتش دیگر برافروزند، یا از شعله چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند، و به این مناسبت، فراگرفتن علم و هنر، و ادب آموختن یکی از دیگری را «اقتباس» می گویند. و در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیث یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد، اقتباس است نه سرقت و انتحال.

---

<sup>۱</sup> Indicating  
<sup>۲</sup> Borrowing  
<sup>۳</sup> Quotation



مثال:

احمد الله تعالى که علی رغم حسود  
خیل بازآمد و خیرش به نواصی معقود  
(کلیات سعدی، ص ۷۱۷)

که از حدیث و یا مثل معروف «الخیرُ معقودٌ بنواصی الخیل» اقتباس شده است.

و یا این بیت که سعدی از فردوسی اقتباس نموده است:

سعدی:

شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی  
غنیمت است دمی روی دوستان بینی  
(شرح غزل های سعدی، ص ۱۲۸۹)

فردوسی:

از این پنج شین روی رغبت متاب  
شب و شاهد و شمع و شهد و شراب  
(شاهنامه فردوسی)

### تفاوت تلمیح و اقتباس:

معمولاً در اقتباس، عین عبارت یا قسمتی از آن را که حاکی از، یا دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد، می آورند. در حالی که در تلمیح اشاره به مضمون و معنی آن است.

**اشاره<sup>۱</sup>:** در لغت به معنی «نمودن به دست و چشم و یا ابرو و جزآن است» و در اصطلاح، عبارت از این است که گوینده یا نویسنده در الفاظ اندک معانی بسیار بیان کند. و کلام او کنایه و رمز داشته باشد. و با وجود اختصار، چیزهای زیادی را بیان نماید. و آن را مشروط به ایماء و اختصار و ترک تفسیر دانسته اند. و از انواع اشاره یکی تفخیم (بزرگ گردانیدن موضوع) و دیگری ایماء (اشاره جزئی و بدون تفسیر به موضوع است).

**حل<sup>۲</sup>:** در اصطلاح ادیبان به کار بردن الفاظ آیات و احادیث و مثل در سخن و نوشته است که به ضرورت‌های شعری و مناسبات دیگر از وزن و عبارت اصلی خارج شود. و به دیگر سخن می توان گفت که حل نوعی از اقتباس است.

مثال:

عشق جان طور آمد عاشقا  
طور مست و خرّ موسی صاعقا (مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۲۶)

<sup>۱</sup> Allusion  
<sup>۲</sup> Unting

که مصرع دوم صورت دیگری از آیه «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ فَجَعَلَهُ دَكَّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا» است. **تمثیل – ارسال مثل**<sup>۱</sup>: آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله ای که مثل یا شبه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه سخن می شود و گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.

مثال :

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش      هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت  
( دیوان حافظ، غزل ۸۰، بیت ۲ )

اکنون چمن و باغ گرفتار تقاضاست      آری بدل خصم بگیرند ضمان را  
( دیوان انوری، ص ۶۹، بیت ۵ )

### گسترش معنای تلمیح:

«تلمیح را اشاره به داستان یا شعر و یا مثلی گفته اند، اما می توان اشاره به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم را نیز جزو تلمیح محسوب کرد. زیرا اگر امروزه کسی به عقاید نجومی یا طبیبی قدما آشنا نباشد، از فهم بسیاری از ابیات شاعران عاجز خواهد بود. از این رو معنای تلمیح شمول گسترده ای پیدا می کند و می توان آن را به موارد زیر تقسیم کرد:

تلمیحات مربوط به رجال (اساطیری، تاریخی، داستانی، مذهبی) مشهور

تلمیحات مربوط به اساطیر: امکنه، ستارگان، گیاهان، حیوانات و وسایل

تلمیحات مربوط به عادات و معتقدات: بازی ها و سرگرمی ها، آداب و رسوم زندگی و اعتقادات طبی و نجومی.» (شمیسا، ۱۳۶۶، ص ۷ و ۸)

<sup>۱</sup> Likening، Comparing

### منشا پیدایش تلمیحات:

« با گسترش اسلام در دیگر کشورها، مسلمانان و به خصوص خلفا علاقه فراوانی به احوال ملل تازه مسلمان و اخبار و رسوم پادشاهان گذشته در آیین کشورداری و کشورگشایی داشتند و از این رو مورخان را به تحقیق در این امور تشویق می کردند. بدین ترتیب تاریخ نویسی رواج پیدا کرد. تألیف کتاب های تاریخ و جغرافیا و سفرنامه و آشنایی با عقاید سایر مذاهب و آشنایی با علوم یونانی باعث پیدایش فرهنگ وسیعی شد که شعرا و نویسندگان که اشخاص عالم و با فرهنگی بودند به تدریج با آن آشنا می شدند و در آثار خود به آنها اشاره می کردند. پس از مدتی این مطالب که دانش آنها برای فهم قرآن و روایات ضروری بود در طبقه علوم رسمی و مشهور قرار گرفت.» (همان، ص ۹ و ۱۳)

### سیر تلمیح در ادبیات فارسی:

«بعد از اسلام فرهنگ جدیدی در ایران به وجود آمد که به فرهنگ اسلامی معروف است. شاعران و نویسندگان که قاعدتاً جزو مردمان با فضل بودند هم خود به تحصیل این فرهنگ پرداختند و هم خود موجب اشاعه این فرهنگ شدند. انعکاس این فرهنگ در ادبیات فارسی از اواخر قرن چهارم به بعد یعنی از عصر رودکی به بعد است. در آثار شاعران عهد سامانی و حتی اوایل دوره غزنوی (یعنی قبل از قرن پنجم) از قبیل رودکی و شهید و دقیقی و فردوسی و امثال ایشان، ذکر اساطیر ایرانی از قبیل زردشت، انوشیروان، بزرجمهر، اوستا، زند و از این قبیل بیشتر است تا در آثار شاعران اواخر این قرن و قرن پنجم از قبیل عنصری و فرخی و منوچهری. باید توجه داشت که در این دوره ممدوحین ایرانی بودند و نژاد خود را به بزرگان پیش از اسلام می رساندند و لذا طبیعی است که مشبه به ها مواردی از اساطیر و تاریخ ایران باشد. در آثار شاعران اواخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم از قبیل: فرخی، عنصری، منوچهری و فخرالدین گرگانی هنوز نسبت اساطیر ایرانی زیاد است اما توجه به قصص اسلامی هم به شدت نضج یافته است. در این دوره، اندک اندک جریان خوار شمردن اساطیر ایرانی نشأت می گیرد و مواردی از این معنی را می توان حتی در دیوان فرخی یافت. باید توجه داشت که در این دوره ترک (غزنویان) یعنی غیر ایرانیان غلبه یافته اند و طبیعی است که از رواج قصص ایرانی کاسته شود. در نیمه دوم قرن پنجم نیز سلاجقه که ترک بودند بر ایران سلطه داشتند (۵۵۲-۴۲۹) و همان جریان ادامه داشت و فرهنگ اسلامی

هرچه بیشتر رواج می یافت. در آثار شاعران این دوره از قبیل بلفرج رونی و ازرقی هروی و ناصر خسرو از درصد اساطیر ایرانی نسبت به دوره های قبل کاسته می شود. و آنچه نیز هست بیشتر جنبه تکرار به خود می گیرد، با این همه هنوز توجه به اساطیر ایرانی مطرح است. در قرن ششم که قرن سلطه کامل سلجوقیان بر ایران است کاملاً آن تعادل نسبی بین اساطیر ایرانی و روایات اسلامی به نفع فرهنگ اسلامی به هم می خورد در این قرن به علت رواج تحصیلات، که عمده آن مبتنی بر تفسیر و مطالب دینی بود، تلمیحات اسلامی رواج یافت و به اوج خود رسید پس به طور کلی می توان گفت که تا قرن ششم یعنی در سبک خراسانی اساطیر ایرانی رواج دارد. اما از قرن ششم به بعد یعنی در سبک عراقی، اساطیر ایرانی عقب رانده شده و تلمیحات اسلامی استیلاء تمام می یابد و این روند در قرون بعد نیز ادامه می یابد. در سبک هندی کار تلمیحات دوباره رونق می یابد به طوری که می توان گفت که کمتر شاعری هست که مثل صائب تلمیحات داشته باشد به هر تقدیر دیوان صائب و شاعران هم به سبک او از مهم ترین مآخذ برای جمع آوری تلمیحات اند مخصوصاً اینکه گاهی در تلمیحات غرابتی به کار داشته و آنها را بدیع کرده اند. در دوره بازگشت به تلمیحات اسلامی و تعلیمات ایرانی هردو توجه می شود و در شعر نو استفاده از تلمیحات سنتی محدود می شود و تلمیحات جدیدی از ایران باستان وارد شعر می گردد. (همان، ص ۲۱-۱۷، با تصرف و تلخیص)

### امتیاز تلمیح در شعر فارسی :

«در شعر فارسی از همه نوع تلمیحات یعنی تلمیحات ایرانی و تلمیحات اسلامی مربوط به رجال اسلام و نیز تلمیحات اسلامی مربوط به تفسیر قرآن (اسرائیلیات) که در مورد پیامبران قوم یهود است و تلمیحات یونانی و هندی که مربوط به رجال علم است. و حتی تلمیحات صرفاً عربی استفاده شده است و این جمع شدن همه اقسام تلمیحات و فراوانی آنها در شعر فارسی امتیازی است که در اشعار دیگر ملل دیده نمی شود. همین نکته، شعر فارسی را از شعر دیگر اقوام ممتاز می کند و حتی شعر فارسی چنان با تلمیح درهم آمیخته که می توان اشعاری یافت که در بیشتر ابیات آنها تلمیح به کار رفته است ( اشعار ملامح ) ( همان ، ص ۲۶-۲۵ )